



نقش سگ گله در نظام گالشی سنتی (مطالعه موردی: شهرستان رامیان، استان گلستان)

دانشجوی دکتری علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

محمد سمیعی *

دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

محمد رحیم فروزه

دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

حسین بارانی

چکیده

دامداری سنتی در مناطق مختلف ایران بر پایه تعامل انسان، دام و محیط شکل گرفته و دانش بومی دامداران نقش مهمی در پایداری این نظام‌ها دارد. در این میان، سگ گله به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی مدیریت گله، در حفاظت از دام، کاهش تعارض با شکارچیان وحشی و تداوم معیشت دامداران اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش‌ها، شیوه‌های نگهداری و باورهای مرتبط با سگ گله با رویکرد کیفی و در چارچوب مردم‌نگاری در شهرستان رامیان انجام شد. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با گالشان، دامداران و خبرگان محلی، مشاهده میدانی و ثبت روایت‌های بومی گردآوری شد. نتایج نشان می‌دهد سگ گله فراتر از یک ابزار حفاظتی، بخشی از نظام دانش بومی و ساختار کارکردی دما داری سنتی محسوب می‌شود. کارکردهای چندگانه سگ در حفاظت از دام، انتقال دانش تربیتی و شکل‌دهی هویت فرهنگی دامداران، بیانگر نقش آن در پایداری معیشت گالشان است. با این حال، تغییرات اجتماعی و اقتصادی در حال دگرگون ساختن جایگاه سنتی سگ گله است.

کلیدواژه‌ها: سگ گله، دامداری سنتی، حفاظت از دام، دانش بومی، رامیان،

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته علوم مرتع دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان است.

* نویسنده مسئول: mohammadsamiei94@yahoo.com

مقدمه

مراتع یکی از مهم‌ترین منابع تأمین علوفه و پایه اصلی تولید دام در بسیاری از مناطق جهان محسوب می‌شوند و نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت غذایی، معیشت جوامع محلی و پایداری اکوسیستم‌ها دارند (Wang et al, 2021:3). در این میان، دامداری سنتی به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اشکال بهره‌برداری از منابع طبیعی، با تکیه بر دانش و تجربیات انباشته دامداران محلی شکل گرفته و توانسته است سازگاری قابل‌توجهی با شرایط محیطی ایجاد کند (Holechek et al, 2011:18).

یکی از جلوه‌های مهم دامداری سنتی، سیستم‌های بومی نگهداری دام است که در آن‌ها مدیریت گله، الگوهای چرا، جابه‌جایی فصلی و حفاظت از دام بر اساس دانش بومی و تجربه نسل‌ها انجام می‌شود. این سیستم‌ها نه تنها در حفظ بهره‌وری دام، بلکه در پایداری مرتع و کاهش فشار چرا، نقش مهمی دارند و به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی و اکولوژیک جوامع دامدار شناخته می‌شوند (UNEP, 2024:22).

در چارچوب این سیستم‌ها، دانش بومی دامداران درباره مدیریت گله و حفاظت از دام اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش بومی نظامی از معرفت، باور و عمل است. این دانش از نیازهای حقیقی، امکانات و محدودیت‌های محیطی منشاء گرفته و در هماهنگی بومیان (روستاییان، عشایر و جنگل‌نشینان) با محیط اطرافشان، به وجود آمده است (میرشکار و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۷؛ شجاع‌پور، ۱۴۰۱: ۱۴۱). به بیان دیگر، این دانش برخاسته از هر زیست‌بوم خاص بوده و پیوندی عمیق با طبیعت دارد، دانشی که حاصل قرن‌ها تجربه‌ی زیسته‌ی جوامع انسانی است و نتیجه‌ی تلاش مردم بومی برای شناسایی مسائل محیطی و یافتن راه‌حل‌های نوآورانه از طریق آزمون و خطاست (سعیدی گراغانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

مطالعات نشان داده‌اند که دانش بومی می‌تواند به کاهش تعارض انسان و حیات وحش، بهبود کارایی دامداری و افزایش تاب‌آوری سیستم‌های مرتعی کمک کند (Fernandez-Gimenez, 2000:1322). بخشی از این دانش در قالب ابزارها و راهبردهای بومی حفاظت

از دام تجلی می‌یابد که در میان آن‌ها، سگ گله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر مدیریتی نقش‌آفرین است. در واقع، استفاده از سگ گله را می‌توان تجسمی عملی از دانش بومی دامداران در حفاظت، هدایت و مدیریت گله دانست (Tstavel et al, 2009:220).

افزون بر تجربه‌های عملی، بخش مهمی از دانش بومی دامداران در قالب ادبیات عامیانه و گفتار شفاهی منتقل می‌شود. ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات محلی، روایت‌های شفاهی و توصیف‌های بومی از رفتار دام و سگ گله، حامل اطلاعات ارزشمندی درباره شیوه‌های نگهداری، ارزیابی کارایی و نحوه تعامل انسان و حیوان در نظام‌های دامداری سنتی هستند (بارانی و شهرکی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). این ادبیات غیررسمی که حاصل تجربه‌های زیسته و انتقال بین‌نسلی دانش است، اگرچه در متون دانشگاهی کمتر به‌صورت نظام‌مند ثبت شده، اما نقش مهمی در شکل‌دهی به تصمیمات مدیریتی دامداران داشته و می‌تواند به‌عنوان منبعی مکمل برای فهم عمیق‌تر دانش بومی و کارکردهای سگ گله در پژوهش‌های علمی مورد توجه قرار گیرد (هدایت، ۱۳۱۲: ۱۰۱).

در بسیاری از نظام‌های دامداری بومی، سگ گله به‌عنوان یکی از اجزای کلیدی مدیریت گله شناخته می‌شود و نقش مهمی در حفاظت دام، هدایت گله و کاهش خسارات ناشی از شکارچیان دارد. استفاده از سگ‌های نگهبان دام برای حفاظت از گوسفندهای اهلی، بزها و طیف متنوعی از دیگر دام‌ها، در بسیاری از مزارع و دامداری‌ها در ایران سراسر دنیا به‌طور گسترده پذیرفته شده است (VerCauteren, 2014:218).

با وجود مطالعات متعدد در زمینه دامداری سنتی و دانش بومی دامداران در ایران، به‌طور ویژه تحقیق میدانی درباره سگ گله در سیستم‌های گاو‌داری و گالشی انجام نشده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های موجود عمدتاً بر مدیریت چرای دام، ترکیب گله، تغذیه دام و بهره‌برداری پایدار از مراتع متمرکز بوده و اجزای مکمل مدیریت گله مانند سگ نگهبان کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. که نشان‌دهنده یک خلأ پژوهشی مهم است که پژوهش حاضر آن را هدف قرار داده است.

در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف شناخت سگ گله به عنوان نمودی از دانش بومی در سیستم‌های دامداری سنتی ایران و بررسی ابعاد مختلف حفاظتی، اکولوژیکی و مدیریتی آن انجام شده است.

پیشینه پژوهش

الف) مطالعات خارجی:

مطالعات بین‌المللی متعددی به اثربخشی سگ‌های گله در حفاظت از دام و کاهش تعارضات انسان-حیات وحش پرداخته‌اند. نوواک و مایسلج^۱ (۲۰۰۵) از جمله پژوهشگرانی هستند که به استفاده از سگ‌ها برای حفاظت از دام در برخی زیست‌بوم‌ها اشاره کرده‌اند. پس از آن، اوتستوال و همکاران^۲ (۲۰۰۹) نیز به کاربست سگ‌های نگهبان در حفاظت از گله در زمینه‌های متفاوت پرداخته‌اند.

ون بومل^۳ (۲۰۱۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «سگ‌های نگهبان: راهنمای بهترین شیوه برای استفاده از سگ‌های نگهبان دام» در استرالیا، گزارش کرد که یک دامداری از ۱۱ سگ نگهبان برای محافظت از ۲۰۰۰ رأس گاو نر دورگه براهمان در برابر دسته‌های سگ‌های وحشی استفاده کرد و در عین حال کانگوروها (*Macropus spp*) را از محدوده‌های چرا دور نگه داشت. همچنین بیان کردند که استفاده از سگ‌های گله می‌تواند به‌طور مؤثری میزان تلفات دام را کاهش داده و به پایداری دامداری در مناطق مختلف کمک کند.

آلوارز و بلانچو^۴ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود «احیای شیوه‌های سنتی دامداری برای کاهش شکار گاوهای آزاد توسط گرگ‌ها در ایبریا»، اشاره کرده‌اند که سگ‌های نگهبان برای محافظت از گاوهای بدون مراقبت در انواع سامانه‌های دامداری، از چراگاه‌های کوچک تا مناطق جنگلی وسیع، به کار می‌روند.

^۱ -Novak and Mayslej

^۲ - Otsavel et al

^۳ - Van Bommel

^۴ - Álvares & Blanco

همچنین لیننل و همکاران^۱ (۲۰۱۵) به گزارش تجربه‌های استفاده از سگ‌های نگهبان در حفاظت از گله در برخی کشورها از جمله فنلاند پرداخته‌اند. اورینگ کیت^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقش «شجاع و وفادار: تجلی مصور از سگ‌های نگهبان دام» نشان داد که برخی دامداران گوسفند در آمریکا که گله‌های گاو نیز دارند، از سگ‌های نگهبان نژاد آکباش و اوچوارکای آسیای مرکزی برای حفاظت از هر دو گونه دام استفاده کرده‌اند. این سگ‌ها به‌ویژه در فصل‌های زایش بسیار ارزشمند بوده‌اند، زیرا از بره‌ها و گوساله‌های متولد شده در برابر شکارچیان محافظت کرده و با دورنگ داشتن شکارچیان، مراتع را امن می‌کنند.

ب) مطالعات داخلی:

با وجود گسترش این گونه تحقیقات در سطح بین‌المللی، در ایران پژوهش‌های مستقلی که به‌طور مشخص به نقش و کارکرد سگ‌های گله پردازد بسیار محدود است و تنها در چند اثر می‌توان ردی پراکنده از این موضوع یافت. از جمله، دیگر (۱۳۶۹) در کتاب فنون کوچ نشینان بختیاری به ثبت اطلاعات زبانی مرتبط با سگ در فرهنگ بختیاری پرداخته است. در این تحقیقات مشخص شد که سگ‌گله دارای دو کارکرد آشکار شامل نگهبانی از افراد و اموال، دفاع از گله در برابر شکارچیان و دزدان، و پاکیزگی اردوگاه (تغذیه از باقیمانده غذا) هستند. افزون بر این، دیگر به کارکرد پنهان سگ‌ها نیز توجه دارد: آن‌ها با رفتار قلمروطلبانه خود، نظم قبیله‌ای و مرزهای درون‌گروهی / برون‌گروهی را بازتولید می‌کنند. همچنین در بخش مربوط به دامداری، سگ را به عنوان جزئی از «ترکیب گله» در کنار گوسفند، بز، گاو و اسب‌سانان معرفی شده است.

پاپلی‌یزدی (۱۳۷۱) در پژوهش خود درباره کوچ‌نشینی در شمال خراسان، به بررسی نظام دامداری عشایر کرد این منطقه پرداخته است. او با تحقیق میدانی در تمام فصول و روستاهای

^۱ - Linnell et al

^۲ - Urbigit

کرد آن منطقه، ساختار اجتماعی، اقتصاد شبانی و به‌طور ویژه مهارت‌های دامداری و تکنیک‌های شبانی عشایر منطقه را مستند کرده است. هرچند پاپلی‌یزادی تمرکز اصلی خود را بر سیستم‌های کوچ‌روی، مسیرهای مهاجرت و سازگاری عشایر با شرایط اقتصادی مدرن (مانند جایگزینی شتر با کامیون) معطوف داشته است، مطالعه او از دامداری سنتی کردهای خراسان حاوی اشاراتی به ابزارها و روش‌های حفاظت از گله از جمله نقش سگ‌های گله در این نظام دامداری است.

محمدی‌ملاسرای و موسوی‌دیزکوهی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهش مردم‌شناختی درباره نقش سگ در زندگی ایل بویراحمد» به بررسی باورها، رسوم و سنن اجتماعی جامعه ایلی بویراحمد درباره سگ پرداخته‌اند. این پژوهش بر حضور پررنگ سگ در و نیز بر نقش آن در زندگی اجتماعی ایلیات، از جمله نگهداری، مراقبت، حمل‌ونقل و شکار، پرداخته و تأکید می‌کند که سگ فراتر از یک ابزار، بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار هویتی و اقتصادی زندگی ایلیاتی است. این مطالعه از معدود پژوهش‌های مستقل داخلی در زمینه سگ به شمار می‌آید.

بارانی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ی خود با عنوان نظام مختابادی جایگزینی برای آینده دور یا نزدیک زندگی عشیره‌ای، جایگاه سگ‌های گله به‌عنوان یکی از عناصر کارکردی و ضروری در مدیریت گله بررسی کرده است. وی نشان می‌دهد که سگ‌های گله نه تنها نقش اصلی در حفاظت از دام در برابر تهدیدات انسانی و طبیعی برعهده دارند، بلکه در ساختار معیشتی نیز بخشی از سامان‌دهی کار دامداری محسوب می‌شوند.

پاپلی‌یزدی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در خراسان شمالی به اجزای مختلف یک گله اشاره کرده که در میان آنها نقش سگ برای حفاظت از گله پر اهمیت و با ارزش می‌داند.

این شواهد نشان می‌دهد که سگ گله به‌عنوان یک ابزار مدیریتی مؤثر در حفاظت دام، کاهش تلفات و افزایش پایداری سیستم‌های دامداری کاربرد دارد، اما در ایران این موضوع

هنوز به طور سیستماتیک مطالعه نشده است. مستندسازی دانش بومی و شیوه‌های نگهداری سگ گله در سیستم‌های گاو‌داری و گالشی می‌تواند ضمن پر کردن این خلأ پژوهشی به توسعه راهکارهای پایدار برای مدیریت گله و مرتع کمک کند به همین خاطر در این مطالعه به بررسی نقش سگ گله در نظام گالشی سنتی (مطالعه موردی: شهرستان رامیان، استان گلستان) پرداخته خواهد شد.

مواد و روش‌ها

استان گلستان با وسعتی در حدود دو میلیون هکتار (نزدیک به ۱/۲ درصد مساحت کشور) در شمال شرق ایران و در امتداد دامنه‌های البرز قرار دارد. این استان با مرکزیت گرگان، از شمال به دریای خزر و از سایر جهات با استان‌های سمنان، خراسان شمالی و مازندران هم‌مرز بوده و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، از تنوع اقلیمی و طبیعی قابل توجهی برخوردار است.

در بخش جنوبی استان، شهرستان رامیان به عنوان یکی از مناطق کوهستانی و جنگلی گلستان واقع شده و با شهرستان‌های گنبد کاووس، آزادشهر، علی‌آباد کتول و بخش بسطام شهرستان شاهرود مجاورت دارد. این شهرستان با مساحتی حدود ۸۷۱ کیلومتر مربع، سهم محدودی از وسعت استان را به خود اختصاص داده است.

از نظر توپوگرافی، رامیان در محدوده البرز شرقی قرار گرفته و شیب عمومی آن به سمت شمال و حوضه گرگان‌رود کاهش می‌یابد. دامنه ارتفاعی منطقه بین حدود ۴۰۰ تا بیش از ۲۳۰۰ متر از سطح دریا متغیر بوده و ترکیبی از مراتع و پوشش‌های جنگلی را دربرمی‌گیرد، به نحوی که بخش قابل توجهی از زیستگاه‌ها و عرصه‌های طبیعی استان در این محدوده واقع شده‌اند.

مطالعه حاضر از نوع پژوهش میدانی با رویکرد کیفی - توصیفی بوده و با هدف مستندسازی دانش بومی دامداران درباره شیوه‌های نگهداری گاو و نقش سگ گله در سیستم

گالشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل دامداران سنتی فعال در نظام گالشی منطقه مورد مطالعه بود و انتخاب مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی انجام شد، به گونه ای که دامداران دارای تجربه عملی در نگهداری گاو و استفاده از سگ گله شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفتند.

داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با دامداران، مشاهده میدانی فعالیت های دامداری و رفتار سگ های گله، ثبت تجربیات و روایت های دامداران و تهیه یادداشت های میدانی گردآوری شد. محورهای مصاحبه شامل شیوه نگهداری گاو، نقش سگ گله در مدیریت و حفاظت گله، روش های تغذیه و آموزش سگ، رفتار حفاظتی و تجربیات دامداران در مواجهه با شکارچیان بود.

تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. به طوری که پس از پیاده سازی مصاحبه ها، مفاهیم و مضامین مرتبط با دانش بومی دامداران استخراج، کدگذاری و طبقه بندی شد. به منظور افزایش اعتبار یافته ها، از روش های مشاهده مستقیم، مقایسه پاسخ ها و تأیید نتایج توسط برخی مشارکت کنندگان استفاده شد.

یافته ها

در منطقه مورد مطالعه، سگ گله در روایت های مشارکت کنندگان تنها یک حیوان اهلی تلقی نمی شود بلکه عنصری حیاتی در ساختار معیشت و امنیت دام به شمار می رود. نگهداری سگ در این منطقه صرفاً به منزله داشتن حیوانی برای مراقبت نیست بلکه بخشی از دانش بومی، باورهای فرهنگی و نظام های اجتماعی مردم را بازتاب می دهد. در مناطق کوهستانی و جنگلی که دام ها در معرض تهدید مداوم حیوانات درنده قرار دارند، حضور سگ نگهبان به عنوان «یار گالش» و «همراه گله» نقشی تعیین کننده در حفظ سرمایه معیشتی خانواده دارد. سگ در نظام های سنتی نه تنها نگهبان گله، بلکه نشانه ای از توانایی جایگاه اجتماعی و مهارت گالش نیز محسوب می شود. مهارت در تربیت تغذیه و نگهداری سگ های گله از

نسلی به نسل دیگر منتقل شده و بخشی از میراث ناملموس جامعه محلی را شکل می‌دهد. این حیوان در طول تاریخ همواره در پیوندی عمیق با انسان زیسته و در نظام دامداری سنتی به نمادی از وفاداری، قدرت، غیرت و هوشمندی تبدیل شده است.

بر اساس مشاهدات میدانی و روایت مشارکت‌کنندگان، در منطقه مورد مطالعه در هر گله گاو که در زبان بومی آن را «بلوک^۱ گاو» می‌نامند، معمولاً دو تا سه سگ برای نگهبانی از محیط گاوخسان^۲ و آرام^۳ حضور دارد. وظیفه اصلی این سگ‌ها محافظت از دام در برابر حیوانات درنده مانند، گرگ، خرس و پلنگ است (محمدعلی سمیعی پاقله، ۱۴۰۴: یادداشت ۵، ۲).

در صورت وجود نظام ارباب و گالشی^۴، سگ‌ها متعلق به ارباب بوده و تغذیه آنها بر عهده گالشان است. اما در گله‌های شخصی، سگ‌ها نیز جزو دارایی‌های مالک محسوب می‌شوند.

جیره غذایی سگ‌ها: در گذشته غذای اصلی سگ‌ها از خمیری نپخته از آرد جو با نام محلی «نوعل^۵» تهیه می‌شد. مشارکت‌کنندگان «نوعل» را از نظر کارکردی «مقوی» دانسته و آن را مرتبط با افزایش «جسارت/قدرت» سگ توصیف می‌کردند (قربانعلی سمیعی پاقله، ۱۴۰۴: یادداشت ۲۶). برای هر سگ روزانه حدود یک تا یک و نیم کیلوگرم آرد جو اختصاص می‌یافت. تهیه این مقدار آرد در هر ماه، معمولاً توسط ارباب و از طریق سرگالش به محل آرام منتقل می‌شد تا روزانه دو الی سه وعده برای سگ‌ها خمیر تهیه کرده و به

^۱ - Beluk

(محدوده چند هکتاری در بیلاق و قشلاق که جایگاه دامداری (آرام) در آن ساخته می‌شود و مرکزیت Goxesān) - ^۲

عرصه در نظر گرفته شده و قسمت‌های مختلف یک عرصه را به هم مرتبط می‌کند.

(محدوده چند صد متری که ابنیه دامداری و محل استراحت گالشان در آن نقطه احداث می‌گردد. - Ārām) - ^۳

- این نظام معمولاً در گذشته حکم‌فرما بوده است؛ به گونه‌ای که یک خان یا فردی متمول دارای تعداد زیادی دام ^۴

بوده و برای پیش‌برد امور گله، افرادی را با عنوان‌های مختلف استخدام می‌کرد.

^۵ - Noal

مصرف آنان برساند. آرد جو مورد نیاز هر ماه پس از محاسبات میزان آن به دلیل فضای کم موجود در آرام به صورت ماهانه به آرام منتقل می‌شد و مابقی آن در انبارهای ارباب که در روستا یا شهرها بودند، نگهداری می‌شد (یوسفعلی سمیعی، ۱۴۰۴: یادداشت ۳).

به گفته بومیان افزون بر نوعل به سبب وفور دوغ و کم ارزش بودن آن در آرام اربابان، پس از جدا کردن کره از ماست در ابزار کره گیری مرسوم به «دوره^۱»، دوغ باقی مانده را در محیط برای تغذیه سگ‌ها، رها می‌کردند. امروزه اما نان جایگزین اصلی نوعل شده است. در منطقه مورد مطالعه مشاهده شد که امروزه دامداران معمولاً برای صرفه‌جویی در وقت و هزینه، نان مورد نیاز سگ‌ها را از نانوائی تهیه می‌کنند. اما در آرام همیشه آرد وجود دارد تا خودشان نیز در صورت نیاز، نان پخته که هم خود و هم سگ‌ها از آن تغذیه نمایند (قربانعلی سمیعی پاقلعه، ۱۴۰۴: یادداشت ۱).

دندان به خود شدن یا گرگی شدن^۲ سگ: به طور کلی خوراک و جیره غذای سگ باید به نحوی تنظیم شود که پاسخگوی نیاز و فعالیت روزانه او باشد. اما در خاطرات و روایت‌های مردم منطقه این نکته بارها تکرار می‌شد که در گذشته گاهی به کمبود غذا یا سهل‌انگاری در تغذیه سگ‌ها، مشکلاتی پیش می‌آمد.

تعدادی از مشارکت کنندگان بیان می‌کردند که چون سگ توان از پای در آوردن گاو بالغ را ندارد، در مواقع گرسنگی شدید یا در مواقعی که یک خِلامه^۳ تازه به دنیا آمده تلف شود، اگر آن خِلامه را به صورت کامل و بدون قطعه قطعه کردن در اختیار سگ قرار دهند، برخی از سگ‌ها به دلیل خوی وحشی‌گری که داشتند و چشیدن طعم پاره کردن پوست و تجربه حالت شبیه به شکارگری، در اثر گرسنگی بعدی ممکن بود به سراغ خِلامه دیگری رفته و یکی از دام‌ها را از پای در آورد. همچنین در برخی موارد سگی که نگهبان حیاط خانه

^۱ - Dure

^۲ - Dendān Be Xed Šedan, Gergy Šedan

^۳ (در منطقه مورد مطالعه گوساله تازه متولد شده را تا یکسالگی، اصطلاحاً «خِلامه» می‌نامند. Xelāme -)

بوده است نیز بر اثر گرسنگی یا عادت به خوردن هر نوع غذا، رفتاری از خود نشان می‌دهد که مردم آن را «دله شدن» می‌نامند. در این حالت سگ، دیگر برایش فرقی ندارد غذا از صاحبش بگیرد یا از هر جای دیگری. چنین سگی ممکن بود به سراغ مرغ‌ها و تخم مرغ‌ها برود. به همین منظور به دو حالت فوق که ذکر شد، دندان به خود شدن یا گرگی شدن گفته می‌شود (حسین سمیعی؛ عبدالحسین نکویی، ۱۴۰۴: یادداشت ۶).

برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند در چنین وضعیتی امکان بازگشت رفتار به حالت عادی کم است. در همین چارچوب، گزارش شد که در گذشته در برخی موارد برای پیشگیری از آسیب به دام یا افراد، سگ با استفاده از گیاه سمی «الوعک» از بین برده می‌شد تا زجر کمتری را متحمل شده و دیگر آسیبی به مال‌گله‌داران وارد نکند (یوسفعلی سمیعی؛ رمضان نکویی ۱۴۰۴: یادداشت ۱۹، ۳۲).

نگهداری و تربیت سگ: در منطقه برای گالشان، نگهداری سگ‌نر نسبت به سگ ماده یا اصطلاحاً «ماچه^۱ سگ» ارجحیت دارد. یکی از دامداران این ترجیح را چنین توضیح داد:

«نره سگ قوی‌تر و نترس‌تره، ماچه زود به زود فال^۲ مخوره و کُته^۳ مزایه، سر همین ما ماچه نیادار نمینیم. ماچه پآس مشه بس آدیم»^۴.

این گفته بیانگر آن است که از دیدگاه دامداران، سگ نر به دلیل قدرت بدنی و جسارت بیشتر، برای حفاظت از گله مناسب‌تر تلقی می‌شود. در مقابل، سگ ماده به سبب ورود مکرر به دوره فحلی و زایمان، نیازمند مراقبت بیشتری بوده و از این رو کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. علاوه بر آن بیان می‌شد در بین کته‌هایی که به دنیا می‌آیند، جنس نر نسبت به ماده کمتر است. همچنین به دلیل تعداد زیاد کته‌های به دنیا آمده و نگهداری دشوار آنها و مرسوم

^۱ - Mâche

(فال (فحل) خوردن اصطلاحی است که در زبان محلی منطقه برای جفت‌گیری سگ استفاده می‌شود. Fâl - ^۲

(منظور از کُته، همان توله است. Kotte - ^۳

^۴ - Narre Sag Qavy Tar o Netars Tare, Mâche zod be zod fâl mexore o Kotte mezâye.

نبودن نگهداری از سگ ماده، مجبور به رها کردن این کته‌ها در محیط طبیعی و جنگل شده تا تلف شوند. هرچند این کار را به دور از انسانیت و رحم دانسته و آن را گناه می‌پندارند. به همین دلیل نگهداری سگ نر نسبت به ماده ارجحیت دارد (راهب سمیعی، ۱۴۰۴: یادداشت ۲).

به گفته گالشان به طور کلی سگ‌های نگهداری شده به منظور محافظت از گله، از نژادهای محلی و بومی بوده و گالشان سعی می‌کنند تا کته‌هایی را برای این کار انتخاب کنند که از ابتدا نسبت به سایرین از لحاظ جثه قوی‌تر باشند. کته‌ها پس از به دنیا آمدن چشم‌هایی بسته دارند. باز شدن چشم آنها تا ده روز پس از زایمان نیز ممکن است به طول بیانجامد و پس از آن پوشش چشم‌ها باز شده و می‌توانند محیط اطرافشان را ببینند که اصطلاحاً می‌گویند «چشم ترکانده‌اند». اگر گالشی برای گله خود سگ بخواند به گالش دیگری که ماچه سگی برای این کار «همان کته کشیدن»، فال انداخته و نگهداری می‌کند، درخواست می‌دهد. بطوری که:

«کته که بخوانیدار کنیم و آیکی کته بگیریم آقدیم مگن هرکی یچی بخواند، دستشه دراز منه تا بگیرش. کته بخوایم موینیم کی سگش فال خورده، مگیش اگه یه کته نر اضافی داشتی اونه بده من، حاله اون اگه کسیه قبلا قول ندایه واشه و ماچش کته نرش زیاد باشه یکیشه مدیه به ما» (یوسفعلی سمیعی، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۸).

سپس گالشی که کته درخواست کرده بود پس از زایمان که اصطلاحاً در این منطقه «ترکاندن^۱ ماچه» نام دارد، کته را پس از باز شدن پوشش چشم‌هایش از ماچه جدا کرده و به آرام خود انتقال می‌دهد. در غیر این صورت کته‌ها در چهار هفتگی از ماچه جدا می‌شوند و آنها را در محیطی نیمه تاریک و در کنار یکدیگر نگهداری می‌کنند. دلیل این کار را عادت کردن چشم سگ به تاریکی و انس گرفتن کته‌ها با هم بیان می‌کردند (مجتبی میردار، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۴).

^۱ - Tarkāndan

پس از جدا کردن کتّه‌ها از مادر هر روز سه وعده شیر گاو به آنها داده می‌شود و این کار تا دو ماهگی که کتّه‌ها که اصطلاحاً خوراک خور می‌شوند، ادامه پیدا می‌کند. گالشان مرحله آغاز غذا خوردن را زمان طلایی تربیت سگ می‌دانند. در این زمان سگ در همان محیط نیمه تاریک به وسیله قلاده بسته می‌شود و گالش هنگام غذا دادن که معمولاً نان یا خمیر آردجو است، لباس‌های جدیدی بر تن می‌کند که سگ تا به حال ندیده باشد. سپس با ترکه چوبی بلند مانع از غذا خوردن سگ می‌شود. این عمل باعث می‌شود سگ حالتی تهاجمی پیدا کرده و در آینده که درون محیط باز قرار می‌گیرد نسبت به افراد بیگانه رفتاری نگهبانانه از خود نشان داده و غذایی از آنها دریافت نکند (حسینعلی کوه‌نشین، ۱۴۰۴: یادداشت ۲۳).

پس از گذشت این مرحله در چهار یا پنج ماهگی کتّه‌ها در کنار سگ‌های بالغ و با تجربه در محیط باز رها می‌شوند به این مرحله «دوش انداختن»^۱ گفته می‌شود. در این فرآیند کتّه‌ها از سگ بالغ رفتارهای مرتبط با محافظت از گله و تعامل با گاوها و حیوانات دیگر موجود در آرام را می‌آموزند. به این ترتیب سگی «گیرا»^۲ و کارآمد برای گله پرورش می‌یابد.

خرید و فروش سگ: بر اساس روایت برخی مشارکت‌کنندگان، در گذشته خرید و فروش سگ در منطقه حرام دانسته می‌شد و هنگام واگذاری سگ هیچ کالا یا پولی میان افراد رد و بدل نمی‌گردید. با این حال گالشان ارزش سگ‌های خود را بالا می‌دانستند، به گونه‌ای که ارزش یک سگ گیرا را معادل یک گاو ماده در نظر می‌گرفتند (لطفعلی بای، ۱۴۰۴: یادداشت ۳۲).

امروزه نیز بسیاری از دامداران خرید و فروش سگ را شرعاً نادرست می‌دانند. اما این پدیده در شهرهای اطراف و حتی روستاها مشاهده می‌شود. برای نمونه در اردیبهشت سال ۱۴۰۴ قیمت سگ‌های محلی بومی بسته به جثه، گیرندگی و سایر موارد تا ۱۰ تا ۲۰ میلیون

^۱ - Duš endaxtan

(سگی گیرنده و با خوی تهاجمی -Gyrā)^۲

تومان گزارش شده است و برای نژادهای خاص، مبالغ بالاتری نیز رد و بدل می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف وضعیت کنونی چنین بیان می‌داشت:

«دآمداری آلانِ مردمِ سگ داری. هرکی که دستش به دهانش برسه میان خانه‌ش هم سگ موره. سگ یچی نجسه. پیغمبر دتا حیوانه گفته نجس، یکیش سگه یکیم خو. سگ داشتن خلیم خوبه اما سگ برا گله نکه بگیری بوریش میان خانت»^۱
(محمدعلی سمیعی، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۲).

منظور از این گفته آن است که دامداریِ امروزی مردم به نوعی به سگ‌داری تغییر یافته و افرادی که از توان مالی برخوردارند، حتی در فضای داخلی خانه نیز به نگهداری سگ می‌پردازند، ایشان در این گفتگو بیان کردند که پیغمبر دو حیوان را نجس اعلام می‌کند که سگ و خوک این دو حیوان هستند و مردم نباید سگ وارد خانه‌شان کنند. این گفته نشانگر دگرگونی عمیق فرهنگی و تغییر نقش سگ از حیوان کاری به حیوان خانگی است

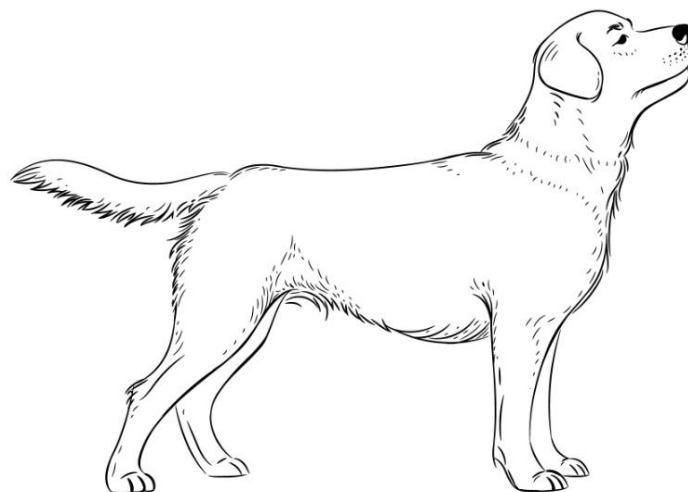
باور گالشان در خصوص دم سگ

مشارکت‌کنندگان شکل و حالت دم را یکی از نشانه‌های قابل تفسیر برای فهم وضعیت سگ می‌دانستند. در باور آنان دم سگ به دو صورت می‌تواند باشد. شکل اول دم بلند و تیز است که در اصطلاح محلی به آن «رِبادِم» می‌گویند. گالشان وجود این دم را به ضرر سگ دانسته و معتقدند در هنگام درگیری با سایر سگ‌ها یا حیوانات وحشی مانند گرگ و خرس، این دم مانعی بر پیروزی و چالاکی سگ می‌شود. به همین دلیل در حدود دو ماهگی با ابزار تیزی آن را می‌برند و تنها پنج تا ده سانتی‌متر از دم اصلی را باقی می‌گذارند (فتح الله سمیعی، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۳).

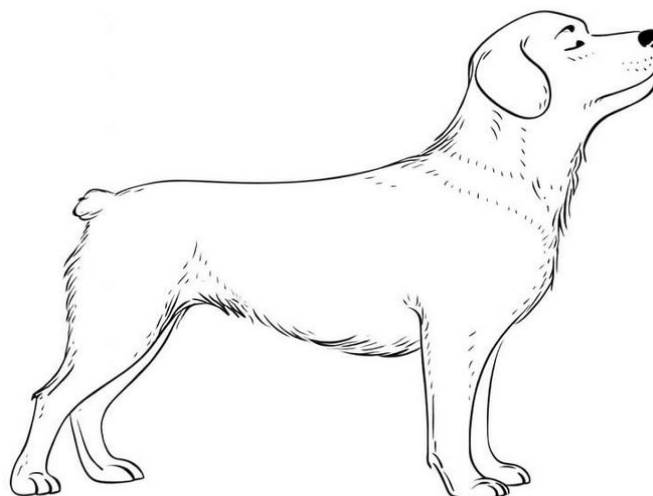
^۱ - Dām Darye Alāne Mardem Sag Dārye. Harky Dasteš Be Dāneš Marese Miyan Xāneš Ham Sag Mavere. Sag yačy Najeste. Peyqambar Deta Heyvane Najes Gofte Ke Yeky Sage Yekiyam Xu. Sag Xeylyam Xobe Ammā Bera Gale Nike Bavaryš Myan Kānet.

^۲ - Reba Dem

طرح شماره ۱: شکلی از سگ با دم‌ی تیز و بلند «ریادم» (طراح نگارنده).



طرح شماره ۲: شکلی از سگی که دم آن بریده شده است (طراح نگارنده).



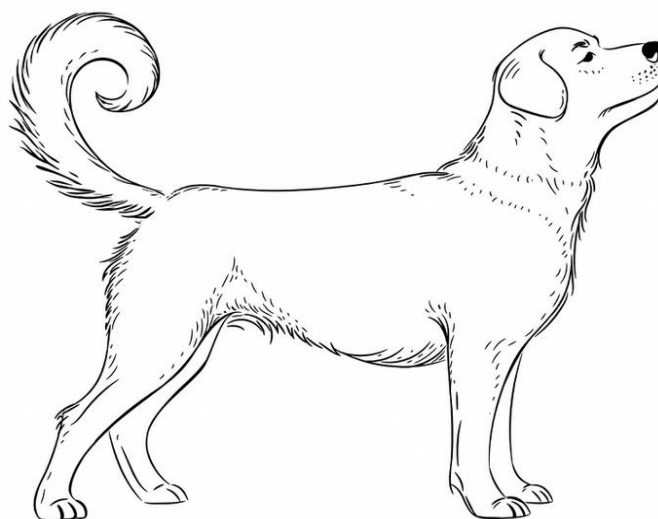
شکل دوم دم در باور گالشان «چَرخی دِم»^۱ نام دارد. این نوع دم کوتاه گرد و به صورت دایره‌ای رو به بالا است. گالشان اعتقاد دارند که این نوع دم ظاهر زیبا به سگ می‌دهد و

^۱ - Çarxy Dem

مانعی برای درگیری و چابکی او ایجاد نمی کند (روح الله سمیعی؛ وجیه الله سمیعی پافله و لطفعلی بای، ۱۴۰۴: یادداشت ۱، ۱۲، ۱۶).

دامداران پس از توضیح شکل دم، درباره حرکت و حالت دم نیز باورهای دارند و آن را راهی برای فهمیدن احساسات سگ می دانند. از نظر آنان: سگ ها با حرکت دم خود حالات گوناگون روحی شان را بیان می کند.

طرح شماره ۳: دم سگی که گرد و رو به بالا است «چرخشی دم» (طراح نگارنده).



زمانی که دم سگ بالا و گرد شده باشد، نشانه غرور احتیاط و آمادگی اوست. این حالت معمولاً هنگامی دیده می شود که سگ متوجه خطری در اطراف شده باشد یا پارس هایی عمیق و محکم آماده حمله می شود. مردم منطقه این حالت را گاهی به انسان هایی نسبت می دهند که مغرور و گستاخ هستند و حالت پرخاشگری دارند. برای چنین افرادی نیز ضرب المثلی می زنند:

«فلانی دَمِش بِرِفْتِه بِلَا شانه هاش»^۱ (حسین سمیعی، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۷).

^۱ - Demeș Berafte Belã Șânehaș

گالشان معتقدند در زمانی که دو سگ با یکدیگر بازی می‌کنند که به این حالت در گفتار محلی می‌گویند «بازی‌شان گرفته»^۱. دم در حالتی میانه قرار دارد که می‌توان گفت نه بالا است و نه پایین. همچنین در این حالت سگ‌ها به آرامی دم خود را حرکت می‌دهند (حسینعلی کوه‌نشین، ۱۴۰۴: یادداشت ۲۰).

بنا به نظر گالشان اگر دم سگ در پایین‌ترین حالت خود قرار داشته باشد، نشانه گیجی، بی‌حوصلگی یا ناراحتی است. این حالت اغلب وقتی دیده می‌شود که سگ توسط گالش تنبیه شده یا آسیبی دیده باشد (جلال برزگر، ۱۴۰۴: یادداشت).

در صورتی که دم سگ بین پاهایش قرار بگیرد، مردم بومی آن را نشانه ترس دانسته و برای این حالت در زبان مردم ضرب المثلی وجود دارد که به انسان‌های ترسو نسبت داده می‌شود. به طوری که می‌گویند:

«فلانی دِمَشِ بَیْشْتِه لَا لِنِگَاش و پِشْگَل کرده»^۲ (مجید نکوئی، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۵).

باور گالشان در خصوص گوش سگ

علاوه بر بریدن دم، بریدن گوش سگ‌هایی که گوش‌های افتاده و بزرگ دارند نیز در منطقه مرسوم است. این گوش‌ها در گویش محلی «وَلَه گوش»^۳ نامیده می‌شوند (همانند شکل ۱). در توجیه بریدن گوش، برخی مشارکت‌کنندگان این اقدام را مرتبط با «بهرتر شدن شنوایی» می‌دانستند و گوش‌های بلند را «کم‌شنواتر» توصیف می‌کردند.

گالشان بیان می‌کردند که در حدود دو ماهگی بخشی از این گوش‌ها را با ابزاری تیز همانند کارد یا تبر، بریده و به دور می‌اندازد. در مقابل نوع دیگری از گوش که به آن «گِری گوش»^۴ می‌گویند نیز وجود دارد و به دلیل حالت تیز و کوتاه این شکل از گوش که آن را شبیه به گوش گرگ توصیف می‌کنند، این نام را به آن نسبت می‌دهند. علاوه بر آن،

^۱ - Băzyșan Gerefte

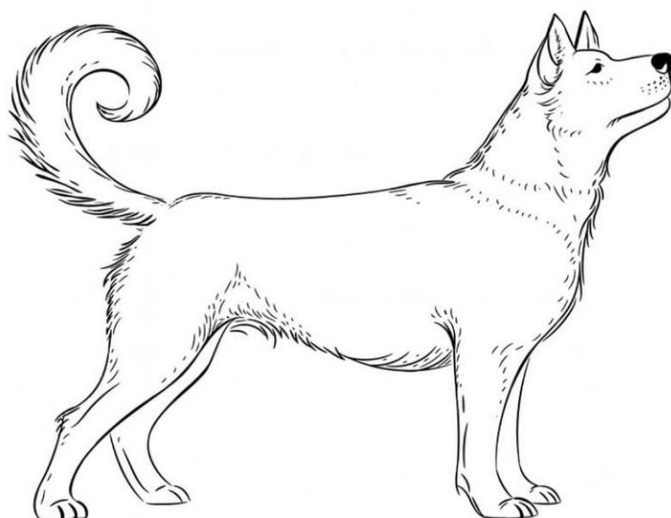
^۲ - Demeșe Beyște Lă Lengăașo Pașgal Karde

^۳ - Valeguș

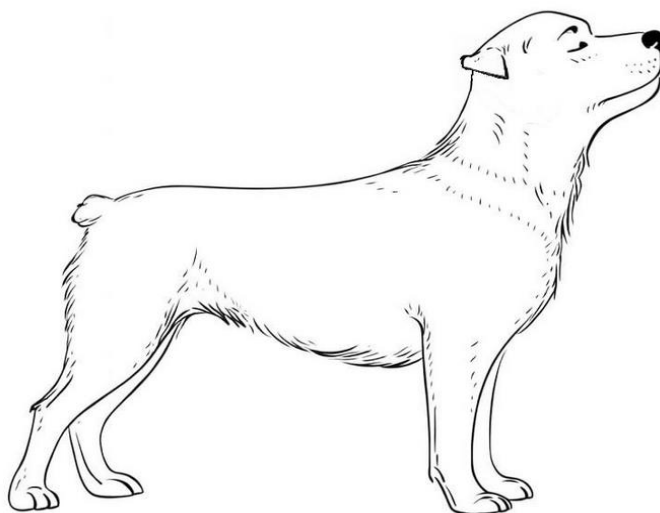
^۴ - Gergyguș

این شکل از گوش‌ها بریده نمی‌شود و در باور مردم محلی سگی که گرگی گوش دارد، بسیار زرننگ است (نبی‌الله برزگر، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۸).

طرح شماره ۴: گرگی گوش (طراح نگارنده).



طرح شماره ۵: سگی با گوش و دم بریده (طراح نگارنده).



گالشان بریدن گوش را برای افزایش قدرت شنوایی سگ لازم می‌دانند و در باورشان گوش‌های بلند موجب کاهش شنوایی می‌شود و این را چنین توصیف می‌کنند:

«سگ که گوش بلند دارد، زیاد صدا/ حالیش نیم‌شه»^۱ (جواد سمیعی پاقلمه، ۱۴۰۴: یادداشت ۲۵).

باور و دانسته‌های مردم منطقه درباره سگ، تنها به تغذیه، تربیت و رفتارشناسی آنها محدود نمی‌شود. گالشان و دامداران محلی بر پایه تجربه‌های نسلی خود نسبت به بیماری‌های مختلف، در خصوص بیماری‌های سگ نیز شناختی نسبی دارند و نشانه‌های بروز بیماری را از روی ظاهر رفتار و یا کاهش توان سگ تشخیص می‌دهند. در ادامه به دو نمونه از بیماری‌هایی که در میان سگ‌های گله شناخته شده تر هستند و مردم منطقه در خصوص آنها سخن گفته‌اند اشاره می‌شود.

بیماری‌های شناخته شده در میان سگ‌های منطقه

یکی از بیماری‌های شناخته شده در میان سگ‌های منطقه «هاری»^۲ نام دارد که در گذشته درمانی برای آن وجود نداشته است. گالشان، سگی را که حتی نسبت به صاحب خود رفتاری خشن و پر خاشگرانه نشان می‌دهد و تمایل زیادی به گاز گرفتن دارد و بصورت غیر عادی هر چیزی از قبیل خاک، سنگ و مواد غیر خوراکی را می‌خورد «هار» می‌نامند.

در این بیماری سگ به تدریج دچار رنج و ضعف می‌شود، توان خود را از دست می‌دهد و در مرحله پایانی دیگر قادر به خوردن آب و غذا نیست در نهایت حیوان با زجر فراوان تلف می‌شود. از آنجا که درمانی برای این بیماری شناخته نشده بود، خبرگان بومی برای جلوگیری از رنج بیشتر حیوان و همچنین جلوگیری از آسیب به افراد حاضر در آرام، سگ هار را با استفاده از گیاه سمی از پای در می‌آوردند. در این روش از پیازچه گیاه الوعک^۳

^۱ - Sag Ke Guş Beland Dâre, Ziyad Sedâ Hâlyş Nemeşe

^۲ - Hâry

^۳ - *Colchicum speciosum* Steven

استفاده می‌شود. به گفته گالشان پيازچه این گیاه را میان دو سنگ له کرده و سپس با خمیرجو که غذای روزانه سگ بود، مخلوط می‌کردند. سگ‌ها پس از خوردن جیره غذایی خود، بدون درد و زجر از بین می‌رفت (رضا کوهساری، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۹).

بیماری دیگری که گالشان آن را برای سگ‌ها می‌شناسند، «گر^۱» نام دارد. در این حالت موهای بدن سگ به صورت لکه لکه شروع به ریزش می‌کند و اگر جلوی پیشرفت بیماری گرفته نشود، بیشتر موهای بدن حیوان از بین می‌رود. این بیماری باعث خارش شدید پوست و ناراحتی فراوان سگ می‌شود به گفته مردم محلی سگ‌های مسن بیشتر دچار این بیماری می‌شوند. روش درمان بومی آن را نیز ریختن دوغ ترش شده بر روی بدن سگ عنوان می‌کردند (محمدعلی سمیعی پاقلعه، ۱۴۰۴: یادداشت ۲۷).

عکس شماره ۱: سگی با بیماری گر (آرشیو شخصی نگارنده).



نامگذاری سگ‌ها

در فرهنگ بومی گالشان منطقه، سگ‌ها نه تنها به عنوان حیوانات نگهبان و همراه دامداران شناخته می‌شوند، بلکه جایگاهی نمادین و فرهنگی نیز دارند. نامگذاری سگ‌ها در این سنت،

¹ - Gar

بازتابی از شناخت دقیق مردم نسبت به ظاهر، توانایی‌ها و خوی حیوان است. هر نام، نشانه‌ای از تجربه زیسته‌ی دامدار با سگ و بیانگر رابطه‌ی عاطفی و عملی او با حیوان به شمار می‌آید. روش‌های نامگذاری سگ‌ها در این فرهنگ را می‌توان در چند دسته‌ی اصلی جای داد:

نامگذاری بر اساس شکل ظاهر: ویژگی‌های بدنی مانند اندازه گوش، فرم دم، رنگ چشم یا هیکل کلی سگ، مبنای نامگذاری قرار می‌گیرد. اگر سگی گوش‌های افتاده یا دم حلقه‌ای داشته باشد، همین ویژگی در نام او بازتاب پیدا می‌کند و به عنوان نشانه‌ای برای تشخیص او در میان دیگر سگ‌ها به کار می‌رود (یوسفعلی سمیعی؛ علی منصوری ۱۴۰۴: یادداشت ۲، ۳۵).

نامگذاری بر اساس هوشیاری و قدرت تشخیص: سگ‌هایی که در نگهبانی و مراقبت از گله هوشیارترند، نام‌هایی متناسب با این توانایی می‌گیرند. این نام‌ها معمولاً بیانگر تیزهوشی، سرعت واکنش یا توانایی در شناسایی خطر هستند و به مرور به بخشی از هویت حیوان تبدیل می‌شوند (مجتبی سمیعی پاقلعه، ۱۴۰۴: یادداشت ۲۹).

نامگذاری بر اساس قدرت و غیرت: در میان گالشان، قدرت بدنی و غیرت سگ در دفاع از گله و خانه اهمیت ویژه‌ای دارد. سگ‌هایی که شجاع‌تر، مقاوم‌تر و جنگنده‌ترند، نام‌هایی می‌گیرند که نشان‌دهنده‌ی همین صفات است. این نام‌ها اغلب بار معنایی فرهنگی دارند و بازتابی از ارزش‌های مردم نسبت به وفاداری و دلاوری حیوان هستند (یاور سمیعی پاقلعه؛ نکویی؛ شمس‌الله میردار، ۱۴۰۴: یادداشت ۱۷، ۲، ۱۳).

نامگذاری بر اساس رنگ بدن: همانند دام‌ها، رنگ بدن سگ نیز در نامگذاری نقش دارد. رنگ‌های اصلی یا ترکیب رنگ‌ها در بدن حیوان، مبنای انتخاب نام می‌شوند. به عنوان مثال، سگ سفید، سیاه یا دورنگ، نامی متناسب با رنگ خود می‌گیرد. در بسیاری موارد، رنگ علاوه بر ویژگی ظاهری، نشانه‌ای از باورهای محلی درباره‌ی سرشت و کارایی سگ

نیز هست. در ادامه چند اسم از اسامی سگ‌های منطقه در جدولی آورده شده است (علی کوهساری، یادداشت ۳۱).

جدول شماره ۱: نام برخی از سگ‌ها در منطقه مورد مطالعه.

نام	آوانگاری	معنی
یول بارس	Ulbārs	این نام بر اساس ظاهر حیوان انتخاب شده و سگی با هیکل بزرگ و تنومند و ظاهری خشن را یول بارس می‌نامیدند.
بایناق	Bāynāq	به معنی سگی که بسیار مهربان و وفادار گالش است.
خیبر	Xeybar	دلیل نام گذاری به این نام را هوشیاری سگ عنوان می‌کردند.
چقان	Çaqqān	سگی با چشم‌های خشن و از لحاظ خلق و خوی بسیار خشن و وفادار.
پلنگ	Pelang	به دلیل قدرت و غیرت سگ، این اسم را بر آن می‌نهادند.
آلماس	Alemās	سگی با داشتن ذهن قوی و هوشیاری بالا، این اسم را از آن خود می‌کرد.
زردی	Zardy	سگی با رنگی زرد و مایل به قهوه‌ای.
سرمه	Serme	سگی سورمه‌ای رنگ.
سیا سگ	Syā Sag	سگی که کاملاً از لحاظ رنگی، سیاه است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سگ گله در نظام گالشی منطقه مورد مطالعه، صرفاً یک حیوان نگهبان نبوده بلکه عنصری چندکارکردی در ساختار معیشت، فرهنگ و سازمان اجتماعی دامداران محسوب می‌شود.

در چارچوب دانش بومی، سگ به‌عنوان «یار گالش» نقش اساسی در حفاظت سرمایه معیشتی خانوارها ایفا کرده و حضور آن به‌ویژه در مناطق کوهستانی و جنگلی، پاسخی تطبیقی به تهدیدهای محیطی ناشی از حضور شکارچیان بوده است. از این منظر، کارکرد حفاظتی سگ را می‌توان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بومی برای کاهش ریسک دامداری و افزایش تاب‌آوری نظام گالشی دانست. این یافته‌ها با مشاهدات بین‌المللی درباره تأثیر سگ‌های نگهبان دام بر کاهش تلفات ناشی از شکارچیان همخوانی دارد، به‌طوری که پژوهش‌ها نشان می‌دهند استفاده از این سگ‌ها، هم از مرگ و میر دام جلوگیری می‌کند و

هم واکنش‌های تلافی‌جویانه علیه گوشتخواران را کاهش می‌دهد (Lennox et al, 2018; Moreira-Arce et al, 2018).

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سگ‌گله در چهار سطح اصلی ایفای نقش می‌کند. نخست، کارکرد اقتصادی که در آن سگ با کاهش تلفات دام و حفاظت از گله، نقش مستقیمی در حفظ سرمایه تولیدی خانوار دارد. ارزش‌گذاری سگ معادل گاو ماده در روایت‌های دامداران، بیانگر اهمیت اقتصادی این حیوان در نظام معیشتی منطقه است. این امر مشابه یافته‌های کلور و همکاران (۲۰۰۸) است که نشان می‌دهد حضور شکارچیان باعث افزایش هوشیاری و کاهش زمان چرا در گاوها می‌شود، اما استفاده از سگ‌های نگهبان این واکنش‌های پرهزینه رفتاری را کاهش می‌دهد و از زیان اقتصادی جلوگیری می‌کند.

دوم، کارکرد اکولوژیک که در قالب ایجاد تعادل میان دام و حیات وحش نمود می‌یابد، به گونه‌ای که حضور سگ به عنوان عامل بازدارنده شکارچیان، جایگزینی بومی برای روش‌های تهاجمی کنترل شکارچیان محسوب می‌شود. مشابه نتایج وبر و همکاران (۲۰۱۵) که سگ‌ها باعث افزایش دسترسی دام‌ها به منابع غذایی با کیفیت بهتر و کاهش فشار بر زیستگاه می‌شوند.

سوم، کارکرد اجتماعی و سازمانی که در روابط ارباب و گالش و تقسیم مسئولیت‌های مرتبط با نگهداری و تغذیه سگ مشاهده می‌شود. در این چارچوب، سگ بخشی از ساختار سازمانی دامداری بوده و مالکیت و مسئولیت آن بازتابی از نظام‌های قدرت و مالکیت در جامعه محلی است. این موضوع با مفاهیم اثرات غیرکشتاری شکارچیان بر رفتار جمعی دام‌ها همخوانی دارد، زیرا سگ‌ها می‌توانند اضطراب ناشی از خطر شکار را کاهش دهند و رفتارهای اجتماعی گله را متعادل کنند (Creel & Christianson, 2008; Steele et al, 2013).

چهارم، کارکرد فرهنگی و نمادین که در باورها، ضرب‌المثل‌ها، نامگذاری‌ها و شیوه‌های تربیت سگ جلوه‌گر می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سگ در فرهنگ گالشی نه تنها

حیوانی کاری، بلکه نمادی از وفاداری، غیرت و مهارت دامدار محسوب می‌شود و بخشی از میراث ناملموس منطقه را شکل می‌دهد. این یافته‌ها با تأکید بر جنبه‌های رفتاری و غیرکشتاری شکارچیان و اثرات آن بر دام‌ها همسو است، چرا که درک رفتار دام و مدیریت استرس آن‌ها از طریق سگ‌های نگهبان نقش حیاتی در پایداری سیستم‌های دامداری دارد (Cresswell, 2008; Lima & Dill, 1990).

در حوزه تغذیه و تربیت سگ، یافته‌ها نشان‌دهنده وجود نظامی منسجم از دانش بومی است که مبتنی بر تجربه نسلی شکل گرفته است. استفاده از جیره‌های سنتی مانند خمیر آرد جو و دوغ و همچنین روش‌های تربیتی مبتنی بر شرطی‌سازی رفتاری، بیانگر درک عمیق دامداران از نیازهای زیستی و رفتاری سگ است. در عین حال، باورهایی همچون «دندان به خود شدن» یا حذف سگ‌های هار، نشان‌دهنده تلاش جامعه محلی برای مدیریت ریسک‌های رفتاری و بهداشتی در چارچوب امکانات محدود درمانی بوده است.

تحلیل تغییرات زمانی نشان می‌دهد که نقش سگ گله در حال دگرگونی است. جایگزینی نان به جای جیره‌های سنتی، رواج خرید و فروش سگ و تبدیل تدریجی سگ از حیوان کاری به حیوان خانگی، نشانه‌هایی از تأثیر تحولات اقتصادی و فرهنگی بر نظام گالشی است. این تغییرات می‌تواند به تضعیف بخشی از دانش بومی و کارکردهای سنتی سگ منجر شود و ضرورت مستندسازی و بازشناسی این دانش را برجسته می‌سازد. این روند مشابه آن چیزی است که در مطالعات بین‌المللی درباره سگ‌های نگهبان مشاهده می‌شود، بطوریکه استفاده مؤثر از سگ‌ها به عنوان ابزار حفاظتی، مستلزم آموزش و تربیت مناسب و توجه به رفتار و شرایط محیطی است (Van Bommel, 2010; Young et al, 2019).

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سگ گله در نظام گالشی منطقه مورد مطالعه، یک عنصر کلیدی با کارکردهای اقتصادی، اکولوژیک، اجتماعی و فرهنگی است که نقش مهمی در پایداری دامداری سنتی ایفا می‌کند. مستندسازی این دانش بومی می‌تواند علاوه بر

حفظ میراث فرهنگی جوامع دامدار، در طراحی راهبردهای پایدار مدیریت دام و کاهش تعارض انسان و حیات وحش نیز مورد استفاده قرار گیرد.

سپاسگذاری: بدین وسیله از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند صمیمانه قدردانی می شود.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می کنند که هیچ گونه تعارض منافی در ارتباط با این پژوهش وجود ندارد.

Row	Authors' names and surnames	Orchid Code
1	Mohammad Samiei	0009-0008-2231-3960
2	Mohamad Rahim Forouzeh	0000-5526-3347-0002
3	Hossein Barani	0000-0001-8109-2477

منابع

بارانی، حسین (۱۳۸۳). نظام مخاطبادی جایگزینی برای آینده دور یا نزدیک زندگی عشیره ای. **مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران**، تهران.

بارانی، حسین؛ شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۳). فرهنگ و دانش عامیانه (مطالعه موردی: شیوه های سنتی و دانش بومی شترداری). **دانش های بومی ایران**، دوره ۱، شماره ۱: ۱۴۹-۱۸۰.

پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۷۱). کوچ نشینی در شمال خراسان. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۴۰۱). چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان.

دوفصلنامه دانشهای بومی ایران، دوره ۹، شماره ۱۸: ۱-۳۴.

دیگار، ژان پیر. (۱۳۶۹). **فنون کوچ نشینان بختیاری (ترجمه اصغر کریمی)**. معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد

سعیدی گراغانی، حمیدرضا؛ ارزانی، حسین؛ قربانی، مهدی و جهان بخش گروهی، نسیم. (۱۳۹۵). تحلیل ساختار اجتماعی و دانش بومی ایل محمدی سلیمانی شهرستان جیرفت. **مجله مرتع**، دوره ۱۰، شماره ۱: ۱۰۹-۱۲۲.

شجاع‌پور، دانیال. (۱۴۰۱). بررسی انتقال و تغییرات دانش بومی گیاهان دارویی در بین بهره‌برداران سنتی ایران (مطالعه موردی: عشایر ایل قشقایی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مرتع و آبخیزداری. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

محمدی ملاسرای، محمدعلی؛ موسوی‌دیزکوهی، سیدهاشم. (۱۳۸۲). پژوهش مردم‌شناختی در باره نقش سنگ در ایل بوییر احمد. *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۲۱: ۱۶۳-۱۸۸.

میرشکار، مهلا؛ ابراهیمی، مهدیه و آجرلو، مجید. (۱۳۹۷). مطالعه اتنوبوتانی و مصارف سنتی برخی گیاهان دارویی شهرستان خاش. *مجله طب سنتی اسلام و ایران*، دوره ۹، شماره ۴: ۳۶۱-۳۷۱.

هدایت، صادق. (۱۳۱۲). نیرنگستان، تهران، جاوید.

- Creel, Scott, and Christianson, David. (2008). Relationships between direct predation and risk effects. *Trends in Ecology and Evolution*. 23, 194–201.
- Cresswell, Will. (2008). *Review: non-lethal effects of predation in bird*. Ibis 150, 3–17.
- Fernandez-Gimenez, María E. (2000). *The role of Mongolian nomadic pastoralists' ecological knowledge in rangeland management. Ecological Applications*, 10(5), 1318–1326.
- Holechek, Jerry L., Pieper, Rex D, & Herbel, Carl H. (2011). *Range Management: Principles and Practices. Pearson*.
- Lennox, Robert J., Gallagher, Austin J., Ritchie, Euan G, & Cooke, Steven J. (2018). Evaluating the efficacy of predator removal in a conflict-prone world. *Biology Conservation*. 224, 277–289.
- Lima, Steven L, & Dill, Lawrence M. (1990). Behavioral decisions made under the risk of predation: a review and prospectus. *Canadian Journal of Zoology*. 68, 619–640.
- Moreira-Arce, Daniel., Ugarte, Camila., Zorondo-Rodríguez, Francisco, & Simonetti, Javier A., (2018). Management tools to reduce carnivore-livestock conflicts: current gap and future challenges. *Rangeland Ecology & Management*. 71, 389–394.
- Steele, Jennifer R., Rashford, Benjamin S., Foulke, Troy K., Tanaka, John A, & Taylor, David T. (2013). Wolf (*Canis lupus*) predation impacts on livestock production: direct effects, indirect effects, and implications for compensation ratios. *Rangeland Ecology & Management*. 66, 539–544.

- Tstavel, Teet., Vuoric, Kristiina., Sims, David., Valrosa, Anna., Vainioe, Outi, & Hannu. Saloniemia. (2009). the frst experience of livestock guarding dogs pre-venting large carnivore damages in Finland. ***Estonian Journal of Ecology***. 58: 216–224.
- United Nations Environment Programme & International Science Council. (2024). Navigating New Horizons – A global foresight report on planetary health and human wellbeing. ***UNEP***.
- Van Bommel, Linda. (2010). Guardian dogs: best practice manual for the use of livestock guardian dogs. ***Invasive Animals Coopera-tive Research Centre, Canberra, Australia***.
- VerCauteren, Kurt C., Lavelle, Michael J., Gehring, Thomas M., Landry, Jean-Marc, & Marker, Laurie. (2014). Dogs as mediators of conservation conicts. Pages 211–238 in M. E. Gompper, editor. Free-rang- ing dogs and wildlife conservation. ***Oxford University Press, Oxford, United Kingdom***.
- Wang, Q., Zhao, L., GAO, C., Zhao, J., RenShen, Z., Yao, Y, & Xin, H. (2021). Ethnobotanical study on herbal market at the Dragon Boat Festival of Chuanqing people in China. ***Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine***. 17(19): 1–16.
- Young, Julie K., Draper, John P, & Kinka, Daniel. (2019). Spatial associations of livestock guardian dogs and domestic sheep. ***Human-Wildlife Interactions***. 13, 7–15.

منابع شفاهی (مصاحبه شوندگان)

نام و نام خانوادگی	سن	تحصیلات	شغل	محل زیست
یوسفعلی سمیعی	۹۰	بیسواد	دامدار	روستا سفیدچشمه
محمدعلی سمیعی پاقلعه	۷۸	مکتب خانه	دامدار	روستا پاقلعه
رمضان نکوئی	۶۱	دیپلم	کشاورز	روستا سفید چشمه
عظیم گنجی جامه شوران	۷۲	دیپلم	کشاورز	رامیان
وجیه الله سمیعی	۸۰	بیسواد	دامدار	روستا سنگستان
حسین سمیعی	۵۴	لیسانس	دامدار	رامیان
قربانعلی سمیعی پاقلعه	۵۵	ابتدایی	دامدار	روستا پاقلعه
عبدالحسین نکویی	۶۳	بیسواد	دامدار	روستا سفیدچشمه
مجید نکوئی	۴۰	دیپلم	کشاورز	روستا سفیدچشمه
لطفعلی بای	۷۱	بیسواد	کشاورز	رامیان
راهب سمیعی	۶۵	ابتدایی	دامدار	روستا پاقلعه

نام و نام خانوادگی	سن	تحصیلات	شغل	محل زیست
مجتبی میردار	۴۳	دیپلم	دامدار	روستا پاقلعه
شمس الله میردار	۸۹	بیسواد	دامدار	روستا زینب آباد
جواد سمیعی پاقلعه	۴۶	ابتدایی	دامدار	روستا زینب آباد
مجتبی سمیعی پاقلعه	۳۷	دیپلم	دامدار	روستا پاقلعه
حسینعلی کوه‌نشین	۸۶	بی سواد	دامدار	روستا قورچای
جلال برزگر	۵۵	راهنمایی	دامدار	رامیان
نبی الله برزگر	۶۳	ابتدایی	دامدار	روستا پاقلعه
یاور سمیعی پاقلعه	۷۵	بیسواد	دامدار	روستا پاقلعه
علی کوهساری	۳۵	دیپلم	دامدار	رامیان
رضا کوهساری	۳۷	ابتدایی	دامدار	رامیان
مصطفی منصوری	۴۷	دیپلم	دامدار	روستا پاقلعه
علی منصوری	۶۶	ابتدایی	دامدار	روستا پاقلعه
فتح الله سمیعی	۶۰	ابتدایی	دامدار	روستا پاقلعه
روح الله سمیعی	۵۵	ابتدایی	دامدار	روستا پاقلعه

The Role of Herding Dogs in the Traditional Pastoral System (Case Study: Ramian County, Golestan Province)

Mohammad samiei*

PhD student in Rangeland Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Mohammad Rahim Forouze

Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Hossein Barani

Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Abstract

Traditional animal husbandry in various regions of Iran is based on the interaction between humans, livestock, and the environment, and the indigenous knowledge of shepherds plays a significant role in the sustainability of these systems. Among these, the sheepdog, as a key element of flock management, holds special importance in protecting livestock, reducing conflict with wild predators, and ensuring the continuity of shepherds' livelihoods. This research, with the aim of explaining the roles, keeping methods, and beliefs associated with sheepdogs, was conducted using a qualitative approach within the framework of ethnography in Ramian County. The data for this research were collected through semi-structured interviews with Galeshi people, shepherds, and local experts, field observation, and recording of indigenous narratives. The results indicate that the sheepdog is considered more than just a protective tool; it is part of the indigenous knowledge system and the functional structure of traditional animal husbandry. The multiple functions of the dog in protecting livestock, transferring training knowledge, and shaping the cultural identity of shepherds demonstrate its role in the sustainability of the Galeshi livelihood.

This article is derived from the doctoral dissertation in Rangeland Sciences at Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources.

* Corresponding Author: mohammadsamiei94@yahoo.com.

Nevertheless, social and economic changes are transforming the traditional position of the sheepdog.

Keywords: Livestock guardian dog, traditional pastoralism, livestock protection, indigenous knowledge, Ramian.

The Role of Herding Dogs in the Traditional Pastoral System (Case Study: Ramian County, Golestan Province)

Mohammad samiei*

PhD student in Rangeland Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Mohammad Rahim Forouze

Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Hossein Barani

Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Extended Abstract

1. Introduction: Rangelands are among the most important natural resources for providing livestock forage, supporting pastoral production systems, ensuring food security, maintaining ecosystem sustainability, and sustaining the livelihoods of local communities. In many parts of the world, particularly in rural and nomadic communities, traditional livestock husbandry remains one of the primary forms of utilizing these resources. This production system has developed on the basis of herders' indigenous knowledge and generations of accumulated experience, adapting over time to local environmental conditions. One of the key components of this knowledge is herd management and protection, which is reflected in the form of practical techniques, management strategies, and cultural beliefs. Within this context, livestock guardian dogs occupy a distinctive position. As protectors of livestock and

This article is derived from the doctoral dissertation in Rangeland Sciences at Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources.

* Corresponding Author: mohammadsamiei94@yahoo.com.

companions of herders, they play an important role in reducing livestock losses and defending herds against predators. Despite their significance, field-based studies on the role of livestock guardian dogs in Iran's traditional livestock production systems, particularly the Galeshi cattle-herding system, remain very limited. Therefore, the present study aimed to examine the role of livestock guardian dogs as an element of herders' indigenous knowledge and to investigate their protective, managerial, and cultural functions within the Galeshi system of Ramian County, Golestan Province.

2. Literature Review: International studies have extensively examined the functions of livestock guardian dogs. Their findings indicate that the use of guardian dogs reduces livestock losses caused by predator attacks and contributes to mitigating human–wildlife conflict. In addition, livestock guardian dogs are recognized as a non-lethal approach to livestock protection, producing fewer environmental impacts than direct predator control methods. In Iran, although several studies have addressed traditional livestock husbandry and nomadic culture, independent and systematic research on livestock guardian dogs remains scarce, and most existing studies mention their role only briefly. Accordingly, the present study was conducted to document the multiple roles of livestock guardian dogs in the Galeshi system and to address part of this research gap.

3. Methodology: This study adopted a qualitative field-based approach in Ramian County, Golestan Province. The participants consisted of herders and *Galesh* cattle herders engaged in the Galeshi production system and were selected through purposive and snowball sampling. Data were collected through semi-structured interviews, direct observation of livestock management activities and livestock guardian dog behavior, documentation of local narratives and experiences, and field notes. Interview topics included the role of dogs in herd protection, feeding, training and management practices, criteria for dog selection, local beliefs concerning their physical and behavioral characteristics, and herders' experiences with predators. After transcription, the data were coded, categorized, and analyzed using qualitative content analysis to identify the main themes related to herders' indigenous knowledge.

4. Results: The findings revealed that within the Galeshi system of Ramian, livestock guardian dogs are not merely guard animals but an integral part of the herders' livelihood and cultural system. In each cattle herd, locally referred to as a *Boluk-e Gav* ("cattle block"), two to three dogs are typically kept to

protect livestock against predators such as wolves, bears, and leopards and are commonly regarded as the “companion of the *Galesh*.” The findings also demonstrated that herders possess extensive indigenous knowledge regarding the feeding, training, and management of these dogs. Traditionally, the dogs were fed a barley-flour dough known locally as *Noo'al*, together with buttermilk remaining from the butter-making process; however, bread has now become the principal component of their diet. Herders train the dogs by separating puppies from their mothers, keeping them in semi-dark environments to strengthen their guarding instincts, and training them alongside mature dogs. Local beliefs concerning the dogs’ physical characteristics also persist, including the practice of shortening the tail to improve agility when confronting wild predators. Furthermore, dogs are named according to their physical appearance, coat color, strength, or alertness, reflecting the close relationship between herders and their animals.

5. Conclusion: Based on the findings of this study, the livestock guardian dog within the galshi pastoral system of the study area performs multiple economic, ecological, social, and cultural functions. Economically, the presence of dogs reduces livestock losses and helps protect the herders’ productive assets. Ecologically, guardian dogs play an important role in reducing conflicts between herders and wildlife by deterring predators from approaching the herd. Socially, the dog forms part of the organizational structure of pastoral work, and its ownership, care, and training are defined within the framework of relationships between the herd owner and the galsh. Culturally, beliefs, proverbs, and naming practices related to dogs demonstrate the symbolic status of this animal within the local culture. Nevertheless, signs of change in the traditional role of herd dogs are also evident, including shifts in feeding practices, the increasing buying and selling of dogs, and the gradual transformation of dogs from working animals into companion animals. Such changes may gradually weaken some aspects of the indigenous knowledge associated with the keeping and training of herd dogs. Therefore, documenting this knowledge and incorporating it into rangeland and livestock management programs can help preserve the cultural heritage of pastoral communities while also contributing to the development of sustainable strategies for livestock protection and the reduction of human–wildlife conflict.

Keywords: Livestock guardian dog, traditional pastoralism, livestock protection, indigenous knowledge, Ramian.

چکیده مبسوط فارسی

مقدمه: مراتع از مهم‌ترین منابع طبیعی در تأمین علوفه دام، پشتیبانی از نظام‌های دامداری، امنیت غذایی، پایداری اکوسیستم‌ها و معیشت جوامع محلی به شمار می‌آیند. در بسیاری از مناطق جهان، به‌ویژه در جوامع روستایی و عشایری، دامداری سنتی همچنان یکی از شیوه‌های اصلی بهره‌برداری از این منابع است. این نظام بر پایه دانش بومی و تجربه‌های نسل‌به‌نسل دامداران شکل گرفته و با شرایط محیطی سازگار شده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این دانش، مدیریت و حفاظت از گله است که در قالب ابزارها، راهبردها و باورهای فرهنگی نمود می‌یابد. در این میان، سگ گله به‌عنوان محافظ گله و همراه دامدار، نقشی مؤثر در کاهش تلفات دام و مقابله با شکارچیان دارد. با وجود این اهمیت، پژوهش‌های میدانی درباره نقش سگ گله در نظام‌های دامداری سنتی ایران، به‌ویژه نظام گالشی، بسیار محدود است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سگ گله به‌عنوان بخشی از دانش بومی دامداران و تبیین کارکردهای حفاظتی، مدیریتی و فرهنگی آن در نظام گالشی شهرستان رامیان استان گلستان انجام شد.

پیشینه پژوهش: در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به بررسی کارکرد سگ‌های نگهبان دام پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از سگ‌های گله تلفات دام ناشی از حمله شکارچیان را کاهش داده و به مدیریت تعارض میان انسان و حیات وحش کمک می‌کند. همچنین، این سگ‌ها به‌عنوان راهکاری غیرتهاجمی برای حفاظت از دام، نسبت به حذف مستقیم شکارچیان پیامدهای زیست‌محیطی کمتری دارند. در ایران، اگرچه پژوهش‌هایی درباره دامداری سنتی و فرهنگ عشایری انجام شده است، اما بررسی مستقل و نظام‌مند نقش سگ گله بسیار محدود بوده و بیشتر مطالعات تنها به‌صورت پراکنده به آن اشاره کرده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف مستندسازی ابعاد مختلف نقش سگ گله در نظام گالشی و جبران بخشی از این خلأ پژوهشی انجام شد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش میدانی در شهرستان رامیان استان گلستان انجام شد. جامعه پژوهش شامل دامداران و گالشان فعال در نظام گالشی بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده مستقیم فعالیت‌های دامداری و رفتار سگ‌های گله، ثبت روایت‌ها و تجربه‌های محلی و یادداشت‌های میدانی گردآوری شد. محورهای مصاحبه شامل نقش سگ در حفاظت از گله، شیوه‌های تغذیه، تربیت و نگهداری، معیارهای انتخاب سگ، باورهای محلی درباره ویژگی‌های ظاهری و رفتاری و تجربه دامداران در مواجهه با شکارچیان بود. داده‌ها پس از پیاده‌سازی، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی کدگذاری، طبقه‌بندی و مضامین اصلی مرتبط با دانش بومی دامداران استخراج شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که در نظام گالشی منطقه رامیان، سگ گله تنها یک حیوان نگهبان نیست، بلکه بخشی از ساختار معیشتی و فرهنگی دامداران محسوب می‌شود. در هر «بلوک گاو» معمولاً دو تا سه سگ برای حفاظت از گله در برابر حیوانات درنده‌ای مانند گرگ، خرس و پلنگ حضور دارند و به‌عنوان «یار گالش» شناخته می‌شوند. یافته‌ها همچنین نشان داد که دامداران از دانش بومی گسترده‌ای درباره تغذیه، تربیت و نگهداری سگ‌ها برخوردارند. در گذشته غذای اصلی سگ‌ها خمیری از آرد جو موسوم به «نوعل» و دوغ باقی‌مانده از کره‌گیری بود، اما امروزه نان جایگزین اصلی آن شده است. دامداران برای تربیت سگ‌ها از روش‌هایی مانند جدا کردن توله‌ها از مادر، نگهداری آنها در محیط نیمه‌تاریک و آموزش در کنار سگ‌های بالغ استفاده می‌کنند. همچنین باورهای محلی درباره ویژگی‌های ظاهری سگ، از جمله کوتاه کردن دم برای افزایش چابکی در مقابله با حیوانات وحشی، همچنان رواج دارد. نام‌گذاری سگ‌ها نیز بر اساس ویژگی‌های ظاهری، رنگ، قدرت یا هوشیاری انجام می‌شود و بازتابی از رابطه نزدیک دامدار و حیوان است.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش، سگ گله در نظام گالشی منطقه مورد مطالعه دارای کارکردهای چندگانه اقتصادی، اکولوژیک، اجتماعی و فرهنگی است. از نظر اقتصادی، حضور سگ موجب کاهش تلفات دام و حفظ سرمایه معیشتی دامداران می‌شود. از نظر اکولوژیک، سگ‌های نگهبان با دور نگه داشتن شکارچیان از گله، نقش مهمی در کاهش تعارض میان دامداران و حیات‌وحش ایفا می‌کنند. در بعد اجتماعی، سگ بخشی از سازمان کار دامداری محسوب می‌شود و نگهداری و تربیت آن در چارچوب روابط میان ارباب و گالش تعریف می‌گردد. همچنین در بعد فرهنگی، باورها، ضرب‌المثل‌ها و شیوه‌های نامگذاری سگ‌ها نشان‌دهنده جایگاه نمادین این حیوان در فرهنگ بومی منطقه است. با این حال، نشانه‌هایی از تغییر در نقش سنتی سگ گله نیز مشاهده می‌شود؛ از جمله تغییر در شیوه‌های تغذیه، رواج خرید و فروش سگ و تبدیل تدریجی آن از حیوان کاری به حیوان خانگی. این تحولات می‌تواند به تدریج بخشی از دانش بومی مرتبط با نگهداری و تربیت سگ‌های گله را تضعیف کند. بنابراین مستندسازی این دانش و توجه به آن در برنامه‌های مدیریت دام و مراتع می‌تواند ضمن حفظ میراث فرهنگی جوامع دامدار، به توسعه راهکارهای پایدار برای حفاظت از دام و کاهش تعارض انسان و حیات‌وحش کمک کند.

کلیدواژه‌ها: سگ گله، دامداری سنتی، حفاظت از دام، دانش بومی، رامیان،